

## نقض جزئی قرارداد

### در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین

فرامرز نجفی قراداغلو\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۹

چکیده:

هدف نهایی از انعقاد هر قراردادی اجرای کامل مفاد آن است. این هدف به واسطه نهادهای مختلف از جمله اصل لزوم قراردادها مورد حمایت قرار می‌گیرد لیکن همه اشخاص پایبند به قراردادهای خود نمی‌مانند و ممکن است در فرایند عمل به قرارداد و تعهدات ناشی از آن، یکی از طرفین و یا هر دو، قرارداد را نقض نمایند. اولین تصویری که از نقض قرارداد به ذهن متبادر می‌شود، نقض کلی آن است و نقض جزئی قرارداد به رغم اهمیتی که در روابط طرفین دارد، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) نقض جزئی قرارداد در مواد ۵۱ و ۷۳ پیش‌بینی شده است، در حالی که در حقوق ایران، نقض جزئی قرارداد به صورت مستقیم مورد اشاره واقع نشده است ولی از لابلای مواد مختلف می‌توان به این مهم دست یافت.

واژگان کلیدی: نقض قرارداد، نقض جزئی قرارداد، نقض اساسی و غیراساسی قرارداد،

جبران‌های ناشی از نقض قرارداد، حقوق ایران، کنوانسیون وین.

\* نویسنده مسئول؛ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

**مقدمه:**

همچنان که می‌دانیم هدف نهایی اشخاص از انعقاد هر قراردادی اجرای آن است. در همین راستا، کوشش اکثر نظام‌های حقوقی بر این است که قرارداد حتی‌المقدور اجرا شده و از فسخ آن اجتناب شود. هنگامی که بخشی از کالا تسلیم نمی‌شود یا بخشی از کالای تسلیمی با اوصاف مورد توافق مطابقت ندارد، طبعاً اجرای کل آن قرارداد، ممکن نیست. در این‌گونه موارد، بحث اجرای قسمتی از قرارداد با توافق طرفین یا فسخ کل قرارداد - که از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار است - مطرح می‌گردد. در واقع، این موضوع این‌گونه موردسؤال واقع می‌شود که آیا به بهانه ناممکن بودن اجرای کل قرارداد باید از اجرا و بقای قرارداد نسبت به بخشی که اجرای آن با مشکلی روبه‌رو نیست، صرف‌نظر کرد یا با تجویز تجزیه قرارداد و توسل به یکی از ضمانت‌اجراهای ناشی از نقض، عدم اجرای بخشی از قرارداد را جبران نمود. از آنجا که احتمال دارد کشور ما نیز در آینده به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) بپیوندد، آشنایی با مقررات آن مفید و ضروری است. لذا در این نوشتار کوشیده‌ایم تا پس از بررسی نقض جزئی قرارداد، احکام و آثار آن و جبران‌های ناشی از نقض را در کنوانسیون بررسی کرده و با حقوق ایران تطبیق دهیم. از همین‌رو، مطالب این مقاله در دو بخش ارائه خواهد شد. بدین‌صورت که در ابتدا نقض جزئی قرارداد و جلوه‌های آن در روابط قراردادی و سپس آثار و جبران‌های ناشی از نقض جزئی قرارداد، بررسی خواهد شد.

**۱. نقض جزئی قرارداد و جلوه‌های آن در روابط قراردادی**

برای شناخت بهتر نقض جزئی قرارداد لازم است مفاهیم نقض و اقسام آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. لذا در این قسمت، ابتدا مفهوم نقض قرارداد بررسی می‌شود، سپس اقسام نقض قرارداد بررسی شده و در نهایت خود نقض جزئی بررسی خواهد شد.

**۱-۱- مفهوم و اقسام نقض قرارداد****۱-۱-۱- مفهوم**

فرهنگ حقوقی بلك، نقض قرارداد را این‌گونه تعریف کرده است: «عدم توانایی در اجرای هر يك از تعهداتی که تشکیل‌دهنده، تمام یا قسمتی از قرارداد است بدون عذر

قانونی». (Black,s law dictionary,1388,p.200) براین اساس، اولاً: عدم اجرای هر يك از تعهدات قراردادی موجب تحقق نقض قرارداد خواهد شد. ثانياً: وجود عذر قانونی در عدم اجرای تعهدات موجب می شود که نتیجه حاصله نقض قرارداد تلقی نشود.

ایرادى که بر تعريف فوق‌الذکر می‌توان وارد نمود، این است که تعريف، ناتوانی در اجرا را موجب نقض قرارداد دانسته، در حالی که هم‌چنانکه می‌دانیم ممکن است شخصی توانایی انجام مفاد قرارداد را داشته باشد ولی بنا به دلایلی از جمله این که انجام تعهد قراردادی را به ضرر خود دیده، نخواهد به تعهدات قراردادی خود عمل کند. بنابراین ضروری است برای ارائه تعريف جامع و مانع، تمام ابعاد آن را مورد توجه قرار دهیم. هم‌چنان که می‌دانیم با انعقاد هر قراردادی طرفین تعهداتی را در مقابل هم برعهده می‌گیرند و ملزم و متعهد به انجام آن می‌شوند. به‌عنوان مثال، در عقد بیع، فروشنده و خریدار در قبال همدیگر تکالیفی دارند که بایستی در موعد مقرر و طبق توافقی که کرده‌اند، آن تکالیف را انجام دهند. مثلاً فروشنده بایستی مبیع را در موعد معین به خریدار تحویل دهد و یا مقدمات لازم برای قبض آن را انجام دهد. به عبارت ساده‌تر، می‌توان گفت تخلف از این توافقات و تکالیف قراردادی، نقض قرارداد نامیده می‌شود.

#### ۲- ۱- ۱- اقسام نقض قرارداد

نقض قرارداد را می‌توان از چند لحاظ تقسیم‌بندی کرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نقض قرارداد از نظر اهمیت آن که تقسیم می‌شود به نقض اساسی و غیراساسی قرارداد و نقض قرارداد از لحاظ قلمرو که تقسیم می‌شود به نقض کلی و نقض جزئی؛ که در ادامه موارد فوق، به اجمال، بررسی خواهد شد.

#### ۱- ۲- ۱- نقض قرارداد از نظر اهمیت

در مواردی که قراردادی مورد نقض واقع می‌شود، همه نقض‌ها نتایج و پیامدهای یکسان ندارند. میزان و درجه نقض از لحاظ شدت و ضعف متفاوت است. بعضی نقض‌ها به اساس قرارداد لطمه وارد می‌سازد و برخی نیز ممکن است غیرمهم بوده و به‌صورت نقض غیراساسی قرارداد نمود پیدا کند که در این قسمت، این دو نوع نقض مطالعه خواهد شد.

#### ۱- ۱- ۲- ۱- نقض اساسی قرارداد

به‌موجب ماده ۲۵ کنوانسیون: «نقض قرارداد توسط یکی از اصحاب دعوا هنگامی اساسی

محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است اساساً محروم کند، مگر این که طرفی که مبادرت به نقض قرارداد نموده است چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوال مشابه نمی‌توانسته است آن امر را پیش‌بینی کند».

سابقه تاریخی این تعریف نشان از دو جنبش و نهضت مهم دارد؛ اولاً، این اصل به‌جای اصرار به یک وظیفه صرفاً قراردادی، کل قرارداد را به‌عنوان یک مجموعه می‌نگرد. ثانیاً، تغییر و حرکتی از معیارهای شخصی یا درون‌ذاتی، به سوی معیارهای بدو‌عملی، واقعی و عینی به‌نظر می‌رسد، در این تعریف وجود دارد. (Clemens pauly, 2000, p223)

با توجه به تعریف ماده ۲۵ کنوانسیون، نقض، هنگامی اساسی است که به اساس قرارداد و هدف اقتصادی مورد نظر طرفین، خسارت شدید وارد سازد، خواه مربوط به تسلیم کالا باشد یا پرداخت ثمن و این خسارت شدید قابل پیش‌بینی باشد. بر اساس این ماده عناصر تشکیل‌دهنده نقض اساسی قرارداد عبارتند از:

۱- ورود خسارت شدید و اساسی به انتظارات طرف مقابل از قرارداد؛

۲- قابلیت پیش‌بینی آثار ناشی از نقض.

همان‌طور که از این تعریف که در ماده ۲۵ کنوانسیون ذکر شد بر می‌آید، طبیعت و ماهیت تعهد نقض‌شده اهمیت چندانی ندارد. آنچه مهم است شدت و آثار عدم اجرای قرارداد از سوی متعهد است. (میرزائزاد جویباری، ۱۳۸۱، ص. ۳۰۳)

در حقوق ایران، نقض اساسی قرارداد ناشناخته مانده است و نشانه‌ای از آن دیده نمی‌شود و اصولاً در حقوق ما اعمال حق فسخ قرارداد به اهمیت و نوع تعهد، نقض شدید یا آثار ناشی از نقض توجهی نشده و اعلام فسخ قرارداد، قواعد و مقررات خاص خود را دارد و قانونگذار ما در بحث فسخ، اساساً توجهی به مفهوم نقض اساسی نکرده، بدین‌صورت که کوچک‌ترین نقض عهد در بیع عین معین سبب ایجاد حق فسخ برای متعهدله است. در حالی که در بیع کلی نقض قرارداد هر چقدر مهم و اساسی باشد، موجب ایجاد حق فسخ نخواهد بود.

۲-۱-۲-۱- نقض غیراساسی قرارداد

برای شناخت نقض غیراساسی قرارداد می‌توان از مفهوم مخالف ماده ۲۵ کنوانسیون که

نقض اساسی قرارداد را تعریف کرده است، استفاده نمود. بدین صورت که اگر نقض قرارداد منجر به ورود خساراتی به طرف دیگر شود که او را از منفعی که استحقاق انتظار آن را داشته باشد، اساساً محروم نکند یا چنان خساراتی به بار آورد که توسط فرد نقض کننده و يك شخص متعارف همانند او در اوضاع و احوال مشابه غیرقابل پیش‌بینی بوده باشد یا خسارت ضعیفی ایجاد کند، چنین نقضی، غیراساسی تلقی می‌شود. به‌عنوان مثال، در پرونده‌ای حکم داده شده که دو روز تأخیر در تسلیم پوشاک فصل از سوی فروشنده، نمی‌تواند نقض اساسی قرارداد محسوب شود، با این استدلال که کالاها در اثر این تأخیر ارزش‌شان را از دست نداده و با توجه به اوضاع و احوال موجود، تأخیر مزبور صرفاً متضمن يك ضرر و زیان غیراساسی است. (میرزائزاد جویباری، ۱۳۸۱، ص. ۳۰۸)

#### ۲-۱-۲-۱- نقض قرارداد از نظر قلمرو

نقض قرارداد از نظر قلمرو، به دو صورت می‌تواند در عالم اعتبار اتفاق بیفتد که یا کل قرارداد نقض می‌شود و یا جزئی (بخشی) از آن نقض شده و اجرا نمی‌شود که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

#### ۲-۱-۲-۱-۱- نقض کلی قرارداد

نقض کلی قرارداد همان‌گونه که از عنوانش پیداست، عبارت است از عدم اجرای تکالیف و تعهدات مهم و معتبر و اساسی، به نحوی که طرف متضرر (متعهدله) را محق به پایان دادن به کل قرارداد می‌سازد. در واقع، در نقض کلی قرارداد طرف نقض‌کننده قرارداد از انجام کلیه تعهدات و تکالیف خود اجتناب می‌ورزد. مثلاً اگر موضوع قرارداد تحویل صد تن برنج باشد، فروشنده از تحویل کل برنج‌ها خودداری می‌کند یا خریدار که در این قرارداد وظیفه دارد هم کالا را قبض کند و هم ثمن را پرداخت نماید، نه ثمن را پرداخت می‌کند و نه کالا را قبض می‌کند.

برای این که نقض کلی قرارداد رخ دهد لازم است نقض انجام‌شده، مهم باشد. و در این صورت، طرف زیان‌دیده می‌تواند قرارداد را فسخ کرده و ادامه ندهد و اگر نقض انجام‌شده، بی‌اهمیت باشد، طرف زیان‌دیده می‌تواند به ضمانت اجرای نقض جزئی قرارداد متوسل شود. (John C. Duncan, Jr, 2000, p.1375).

**۲-۲-۱-۱-۱- نقض جزئی قرارداد**

نقض جزئی قرارداد در مقابل نقض کل و مجموع قرارداد قرار دارد و هیچ تعریفی از این موضوع در کتب حقوقی به عمل نیامده است ولی در تعریف آن می‌توان گفت عدم اجرای جزء و قسمتی از يك قرارداد الزام‌آور که ممکن است این عدم اجرا، اساسی یا غیراساسی باشد. مثلاً در تحویل يك دستگاه کامپیوتر (رایانه)، عدم تحویل صفحه کلید (کیبورد) یا موشواره (ماوس) نقض جزئی قرارداد محسوب است که ممکن است این نقض جزئی حسب مورد به صورت اساسی یا غیراساسی باشد. در واقع، نقض جزئی قرارداد اعم از نقض اساسی و غیراساسی است که ممکن است بعضی نقض جزئی را به اشتباه همان نقض غیراساسی قرارداد تلقی کنند در حالی که با مثالی که در ادامه خواهیم آورد ثابت خواهد شد که نقض جزئی قرارداد لزوماً نقض غیراساسی نیست. فرض کنید شخصی يك دستگاه کامپیوتر و يك دستگاه لپ‌تاپ خریداری می‌نماید و در معامله بین خریدار و فروشنده توافق می‌شود که هر دو دارای ماوس هم باشند. بعد فروشنده هر دوی این‌ها (لپ‌تاپ و کامپیوتر) را بسته‌بندی کرده و به آدرس خریدار می‌فرستد. خریدار در بازرسی کالا متوجه می‌شود که هر دو فاقد ماوس می‌باشد. در اینجا، نقض انجام گرفته نسبت به هر دو، نقض جزئی می‌باشد در حالی که می‌دانیم کامپیوتر بدون ماوس امکان استفاده را از دست می‌دهد و نبود ماوس برای کامپیوتر، نقض اساسی محسوب می‌شود ولی لپ‌تاپ بدون ماوس هم قابلیت استفاده را دارد اگر چه با ماوس امکان استفاده بهتر از لپ‌تاپ وجود دارد به خصوص که طرفین به تحویل ماوس برای لپ‌تاپ توافق کرده‌اند ولی نبود ماوس در لپ‌تاپ، نقض غیراساسی تلقی خواهد شد.

**۲-۲-۱-۱-۲-۱- تعریف نقض جزئی قرارداد**

در تعریف نقض جزئی قرارداد، تعاریف متعددی قابل ارائه است. مثلاً می‌توان گفت نقض جزئی قرارداد، عبارت است از عدم انجام تکالیف غیرمهم و غیرمعتبر قراردادی. این تعریف کامل نیست چون ممکن است نقض جزئی انجام شده باشد ولی این نقض جزئی قرارداد حسب مورد یا به دلیل توافق طرفین یا به دلیل اوضاع و احوال و شرایط قرارداد، مهم و معتبر تلقی شود. بنابراین، این تعریف کامل نیست.

هم‌چنین ممکن است گفته شود نقض جزئی قرارداد، عبارت است از نقض و عدم اجرای

بخشی از يك قرارداد الزام آور. در نقد این تعریف، می توان گفت که عبارت نقض صرفاً شامل اجرای فیزیکی قرارداد نیست بلکه نقض جزئی شامل مقدمات اجرای قرارداد هم می شود. مثلاً ممکن است در يك قرارداد، تحویل اسناد و مدارك مربوط به مبيع برای طرفین مهم و اساسی باشد. برای رسیدن به يك تعریف جامع و مانع از نقض جزئی قرارداد باید نگاه وسیعی نسبت به موضوع داشته باشیم. در تعریف نقض جزئی قرارداد می توان گفت: «عدم اجرای جزء و قسمتی از يك قرارداد الزام آور که ممکن است این عدم اجرا اساسی و یا غیراساسی باشد». به عنوان مثال، شخصی از شرکت ایران خودرو يك دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ خریداری می نماید و بعد از خرید متوجه می شود که باطری اتومبیل معیوب بوده، در اینجا، نقض انجام شده، نقض جزئی قرارداد بوده و این نقض جزئی هم غیراساسی می باشد. چون با تعویض باطری نقض انجام شده، قابل جبران می باشد. در این مثال، اگر عیب اتومبیل طوری باشد که قابل حرکت نباشد. مثلاً موتور آن به طور کلی خراب باشد و شاسی هم اشکال مهمی داشته باشد، در این صورت نقض اساسی خواهد بود.

مفهوم نقض جزئی البته بالحاظ توافق طرفین قابل تعیین است و از همین منظر این سؤال مطرح می شود که آیا توافق طرفین در مورد نقض جزئی قرارداد، مؤثر می باشد؟ بدین ترتیب که آیا توافق طرفین در جزئی یا کلی بودن و یا اساسی و غیراساسی بودن نقض تأثیری دارد یا خیر؟ در پاسخ به سؤال می توان گفت با استناد به «اصل حاکمیت اراده» و قاعده فقهی «العقود تابعة للقصد» طرفین می توانند هرگونه شرطی که خلاف مقتضای ذات عقد نباشد، در قرارداد بگنجانند. در حقوق ایران، ماده ۱۰ ق.م. در این خصوص مقرر می دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». در کنوانسیون هم ماده ۶ مقرر می دارد: «طرفین می توانند شمول مقررات این کنوانسیون را استثناء یا با رعایت ماده ۱۴ از آثار هر يك از مقررات آن عدول کنند یا آنها را تغییر دهند». با ملاحظه این ماده متوجه می شویم که کنوانسیون هم اصل حاکمیت اراده را به رسمیت شناخته و از این نظر بین حقوق ایران و کنوانسیون، هماهنگی وجود دارد. مصادیق نقض جزئی قرارداد جنبه حصری نداشته بلکه جنبه تمثیلی دارد بدین صورت که نقض جزئی قرارداد ممکن است تحت شرایط و اوضاع و احوال خاصی، متفاوت باشد و محدود به مورد و یا موارد خاصی نمی باشد. نقض جزئی قرارداد میان خریدار

و فروشنده مصداق‌هایی دارد که هر کدام ممکن است آثار و احکام متفاوتی داشته باشند. مثلاً عدم تسلیم قسمتی از کالا و عدم انطباق قسمتی از کالا و تأخیر در تسلیم کالا مختص به فروشنده بوده و عدم قبض بخشی از کالا و عدم پرداخت بخشی از ثمن اختصاص به خریدار دارد.

#### ۲-۲-۱-۱- تفاوت نقض جزئی قرارداد با نقض اساسی و غیراساسی قرارداد

وقتی قراردادی مورد نقض واقع می‌شود تعیین این که نقض انجام‌شده از چه نوع است، دارای آثار و تبعات متفاوت برای طرفین می‌باشد. مثلاً اگر طبق مقررات کنوانسیون نقض انجام‌شده، اساسی باشد، طرف متعهدله اجازه فسخ معامله را دارد ولی اگر نقض انجام‌شده، غیراساسی باشد، اجازه فسخ نداشته بلکه می‌تواند به روش‌های جبران متوسل شود.

هم‌چنان که در فوق اشاره کردیم، نقض جزئی قرارداد با نقض اساسی و غیراساسی قرارداد تفاوت دارد و نقض جزئی قرارداد کلی‌تر از نقض اساسی و غیراساسی قرارداد می‌باشد و رابطه بین این‌ها عموم و خصوص مطلق است. بدین صورت که ممکن است یک قراردادی مورد نقض جزئی واقع شود و این نقض در عین حال ممکن است برحسب مورد و شرایط، نقض اساسی و یا غیراساسی باشد. در واقع، نقض جزئی قرارداد در مقابل نقض کلی قرارداد می‌تواند مطرح شود. برای کشف این که نقض جزئی که واقع شده است، اساسی است یا غیر اساسی؛ کنوانسیون در ماده ۲۵ مقرر داشته، نقض قرارداد توسط یکی از اصحاب دعوی هنگامی اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه استحقاق انتظار آن را به‌موجب قرارداد داشته است اساساً محروم کند... در واقع با توجه به شرایط و اوضاع و احوال قرارداد و مفاد آن و توافق طرفین مشخص می‌شود که نقضی که انجام‌شده، اساسی است یا غیراساسی. و برای اساسی و غیراساسی بودن نقض جزئی انجام‌شده، اراده خود طرفین از قرارداد و شرایط و اوضاع و احوال قرارداد و بازار مؤثر و مفید می‌باشد.

#### ۲- آثار و جبران‌های ناشی از نقض جزئی قرارداد

نقض جزئی قرارداد در بخش قبل بررسی شد. در این قسمت، لازم است آثار و جبران‌های ناشی از نقض جزئی قرارداد طی دو بند بررسی شود.



### ۱-۲- آثار نقض جزئی قرارداد

نقض جزئی قرارداد آثاری دارد که می‌تواند در بقا یا زوال قرارداد مؤثر باشد. از این رو، بررسی آثار نقض جزئی قرارداد در این مقاله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طور اجمالی می‌توان گفت که مهم‌ترین آثار نقض جزئی قرارداد، عبارت است از تجزیه و فسخ قرارداد که در این قسمت این موضوعات را بررسی خواهیم کرد.

#### ۱-۲-۱- تجزیه قرارداد

نهاد تجزیه قرارداد، در هیچ يك از مواد کنوانسیون، تعریف نشده است. با توجه به این که یکی از راه‌های باقی نگه‌داشتن قراردادی که بخشی از آن مورد نقض واقع شده است، تجزیه آن است و به رغم این که مفهوم تجزیه قرارداد در کنوانسیون به طور صریح مشخص نشده است اما از برخی از مواد آن نظیر مواد ۵۱ و ۷۳ که در خصوص قراردادهای تجزیه‌پذیر وضع شده است، این گونه استنباط می‌شود که هرگاه یکی از طرفین قرارداد، قسمتی از تعهدات خود را ایفا نکند و در نتیجه بخشی از قرارداد مورد نقض واقع شود، طرف دیگر حق دارد قرارداد را تجزیه کرده و تنها در مورد آن بخش نقض شده به یکی از ضمانت اجراها یا روش‌های جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد متوسل گردد و به عنوان مثال، اجرای آن بخش نقض شده را از طرف مقابل درخواست کند یا آن را مورد فسخ قرار دهد.

بند یک ماده ۵۱ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «در صورتی که بایع تنها قسمتی از کالا را تسلیم کند یا تنها قسمتی از کالای تسلیم شده مطابق قرارداد باشد، مواد ۴۶ تا ۵۰ نسبت به بخشی که تسلیم نشده یا منطبق با قرارداد نیست، اعمال خواهد شد».

بند یک ماده ۷۳ کنوانسیون نیز بیان می‌دارد: «در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساط چنانچه قصور یکی از طرفین نسبت به اجرای هر قسط، متضمن نقض اساسی قرارداد در رابطه با آن قسط باشد، اختیار اعلام فسخ را دارد».

براساس این دو بند، در صورت نقض بخشی از قراردادهای تجزیه‌پذیر، امکان اعمال روش‌های جبران خسارت نسبت به آن دو بخش وجود دارد. چون هر بخشی از این نوع قراردادها قابل تفکیک و مستقل از بخش‌های دیگر می‌باشد. بدین ترتیب، با تجزیه قرارداد از انحلال و فسخ کل قرارداد جلوگیری شده و قرارداد باقی و محفوظ خواهد ماند.

در حقوق ایران، تجزیه قرارداد در هیچ يك از مواد قانون مدنی ایران تعریف نشده است اما تحت عنوان «انحلال عقد واحد به عقود متعدد» که يك قاعده مسلم فقهی و حقوقی

است، دارای سابقه می‌باشد. بر حسب این سابقه «در صورتی که عقد بین دو نفر واقع شود و مورد معامله واحد غیرقابل تجزیه باشد، عقد بسیط و غیرقابل انحلال است، مانند آن که کسی میزی را در مقابل صندلی به دیگری بفروشد، ولی هر گاه طرفین عقد بیش از دو نفر یا مورد معامله متعدد و یا قابل تجزیه باشد، به طوری که هر قسمتی از آن را بتوان مستقلاً تقویم نمود، عقد مزبور قابل انحلال به عقود متعدد می‌باشد». (امامی، ۱۳۶۶، ج. اول، ص. ۵۱۰) در قوانین ایران، درباره این که تعهدات در چه مواردی تقسیم‌پذیر یا تقسیم‌ناپذیرند، قاعده قانونی عامی ملاحظه نمی‌شود و به جای آن قانون‌گذار هر جا که لازم دیده است، به تقسیم‌ناپذیری حق یا تعهدی تصریح کرده و تجزیه برخی از آنها را منوط به توافق اراده طرفین دانسته است. (سلجوقی، ۱۳۶۸، ص. ۷۲) بنابراین در حقوق ایران، عقود ممکن است به اعتبار تعدد مورد عقد یا طرفین، قابل تجزیه و انحلال به عقود متعدد باشند.

بدین ترتیب شاید بتوان گفت که مفهوم تجزیه قرارداد در حقوق ایران، با کمک قاعده فقهی و حقوقی «انحلال عقد واحد به عقود متعدد» شناخته می‌شود.

## ۲-۱-۲- فسخ قرارداد در صورت نقض جزئی قرارداد

در این قسمت قصد داریم به این نکته پردازیم؛ در صورتی که قرارداد مورد نقض جزئی واقع می‌شود، تحت چه شرایطی قرارداد ممکن است فسخ شود؟

همان‌طور که در فوق اشاره شد، نقض جزئی قرارداد ممکن است اساسی باشد یا غیراساسی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در این زمینه قائل به تفکیک شده است؛ بدین صورت که در موردی که نقض انجام شده، اساسی می‌باشد، اجازه فسخ معامله را داده و در این زمینه در ماده ۲۵ مقرر کرده: «نقض قرارداد توسط یکی از اصحاب دعوی هنگامی اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود آنچنان خساراتی به طرف دیگر شود به نحوی که به طور عمده‌ای او را از آنچه که استحقاق انتظار آن به موجب قرارداد داشته است محروم نماید، مگر این که طرف نقض‌کننده چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او در شرایط و اوضاع و احوال مشابه چنین پیامد و نتیجه‌ای نمی‌توانسته است پیش‌بینی کند». این تعریف در صدد حمایت از تفکیک نقض‌های اساسی و غیراساسی قرارداد می‌باشد و این تفکیک برای سیستم جبران خسارت حائز کمال اهمیت است، زیرا تفکیک مذکور می‌تواند در مرگ و زندگی قرارداد تأثیر داشته باشد. (باره راگراف جورج و دیگران، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴)

اما در حقوق ایران، تفاوت میان اساسی و غیراساسی بودن نقض قرارداد وجود ندارد و اصولاً مفهوم نقض اساسی ناشناخته است و به اهمیت نوع تعهد یا آثار ناشی از نقض آن توجهی نمی‌گردد. در قراردادهای مربوط به عین معین، قانون‌گذار فسخ قرارداد را بسیار آسان ساخته است. البته در این نوع قراردادها نیز بین نقض مربوط به کالا و نقض سایر تعهدات تفاوت در نظر گرفته شده است. در مورد اول، فسخ قرارداد در هیچ شرایطی جایز نیست و متعهدله لزوماً باید اجبار متعهد را به تسلیم کالا بخواهد لیکن در نقض تعهدات قسم دوم کم‌ترین تخلف از تعهداتی که به‌طور صریح یا ضمنی در قلمرو قصد مشترك طرفین قرار گرفته‌اند، به زیان دیده حق می‌دهد که قرارداد را فسخ کند هرچند آثار نقض شدید نباشد. ولی در قراردادهای مربوط به عین کلی، قانون‌گذار بسیار سختگیرانه و انعطاف‌ناپذیر عمل کرده است. بزرگ‌ترین عهدشکنی به زیان دیده حق نمی‌دهد که قرارداد را ابتدائاً فسخ کند؛ تحت هر شرایط متعهدله ملزم است در وهله نخست، به دادگاه مراجعه کرده و الزام به اجرای عین قرارداد را بخواهد و در صورتی که اجبار ممکن نشد، قرارداد را فسخ کند.

گرچه کنوانسیون از این جهت که با ذکر قیود متعدد و پیچیده سعی کرده است دامنه و قلمرو فسخ قرارداد را محدود سازد، با حقوق ایران که در قراردادهای راجع به عین کلی هدف آن بیشتر در مقام اجرای قرارداد است، همگام به نظر می‌رسد، منتها اتخاذ راه‌حلی چنین شدید و سخت‌گیرانه که در این دسته از قراردادها در هیچ شرایطی نتوان قرارداد را ابتدائاً فسخ کرد با روح و هدف کلی کنوانسیون مغایر است. (میرزائزاد جویباری، ۱۳۸۱، ص. ۳۲۹)

## ۲-۲- جبران‌های ناشی از نقض جزئی قرارداد

حال سؤال مهم و اساسی این است که در صورت نقض بخشی از قرارداد توسط فروشنده یا خریدار چه روش‌هایی برای جبران خسارت ناشی از نقض برای طرف مقابل در کنوانسیون و حقوق ایران وجود دارد؟

### ۲-۲-۱- درخواست اجرای عین قرارداد

در فرضی که متعهد به تعهد خود عمل نکرده باشد، به درخواست طرف دیگر (متعهدله)، مجبور به اجرای تعهد خود می‌شود. مثلاً فروشنده‌ای که مبیع را تسلیم نکرده است، از ناحیه مشتری مجبور به تسلیم مبیع می‌گردد. اما در فرضی که فروشنده مبیع را تسلیم

کرده ولی مطابق قرارداد نیست، مشتری می‌تواند کالای جانشین درخواست کند یا از فروشنده بخواهد عیب مبیع را برطرف و آن را - حسب مورد - طبق قرارداد اصلاح و تعمیر نماید. درخواست اجرای عین قرارداد در حقوق ایران به عنوان اصل پذیرفته شده و همانند کنوانسیون نخستین شیوه جبرانی ناشی از نقض قرارداد است. در صورت عدم انجام تعهد از سوی متعهد، متعهدله می‌تواند اجرای قرارداد را از او بخواهد. به‌عنوان مثال، می‌توان به حکم ماده ۲۳۷ ق.م. در بحث شروط ضمن عقد اشاره کرد. (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۴)

#### ۲-۲-۲- اعطای مهلت اضافی برای اجرای قرارداد

یکی دیگر از روش‌های جبرانی ناشی از نقض جزئی قرارداد، اعطای مهلت اضافی برای انجام آن بخش از قرارداد است که نقض شده است و هدف آن ابقای قراردادهای بین‌المللی برای رسیدن طرفین به هدف و منفعت خود می‌باشد.

(Catherine piche, 2002, p.519)

در واقع، اعطای مهلت اضافی به طرفین، دادن مهلت برای اجرای قرارداد و جبران نقض قرارداد می‌باشد و مستقیماً موجب جبران خسارت نمی‌شود. بند یک ماده ۴۷ مقرر می‌دارد: « خریدار می‌تواند جهت ایفای تعهدات بایع مهلت اضافی و معقول تعیین کند.»

چنانچه فروشنده تعهدات خود را ایفا نکند و مرتکب نقض قرارداد (کلی و جزئی) شود، خریدار می‌تواند طبق بند یک ماده مذکور به وی مهلت اضافی و معقول بدهد تا تعهدات خود را ایفا نماید و این مهلت باید معین و معقول باشد و تاریخ شروع مهلت بایستی معلوم باشد. (باره راگراف جورج و دیگران، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۸۳)

هم‌چنین حق استفاده از روش اعطای مهلت اضافی برای خریدار نیز در نظر گرفته شده است. به‌موجب بند یک ماده ۶۳: « بایع می‌تواند جهت ایفای تعهدات مشتری مهلتی اضافی و معقول تعیین کند.»

در حقوق ایران، روش اعطای مهلت اضافی در برخی از مواد قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفته است ولی نهاد فسخ به علت انقضای مهلت به مفهوم مندرج در کنوانسیون، وجود ندارد. ممکن است متعهدله برای اجرای تعهد متعهد، مهلتی عادلانه به وی بدهد، مانند مورد ماده ۴۹۴ ق.م. در باب اجاره و ماده ۶۵۱ ق.م. در مورد عقد قرض. هم‌چنین ممکن

است دادگاه مطابق اوضاع و احوال (از جمله وضعیت متعهد یا شرط ضمنی و بنایی دو طرف)، برای متعهد، مهلت عادلانه تعیین کند. (ماده ۲۷۷ و ۶۵۲ ق.م.ا) (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج. اول، ص. ۶۱۹) در چنین حالتی هر گاه متعهد در مهلت مقرر تعهداتش را انجام ندهد، به نظر می‌رسد متعهدله باید ابتدا اجرای عین قرارداد را بخواهد و در مرحله بعد حق فسخ خواهد داشت. زیرا اعطای مهلت حقی برای متعهدله جهت فسخ قرارداد ایجاد نمی‌کند. به هر حال، طرفین می‌توانند با تمسک به اصل حاکمیت اراده و ماده ۱۰ ق.م. توافق کنند که پس از انقضای مدت تعیین شده، طرف مقابل حق فسخ تمام یا بخشی از قرارداد را داشته باشد و از این طریق می‌توان با کنوانسیون هماهنگ شد.

### ۳-۲-۲- فسخ قرارداد

روش مهم دیگری که در جهت جبران نقض بخشی از قرارداد وجود دارد، فسخ بخش نقض شده قرارداد است.

براساس بند یک ماده ۴۹ موارد تحقق حق فسخ در کنوانسیون عبارتند از:

۱- وقتی که عدم ایفای تعهدات فروشنده نقض اساسی قرارداد تلقی شود (قسمت "الف"

بند یک):

۲- وقتی که فروشنده ظرف مهلت اضافی تعیین شده توسط مشتری، کالا را تسلیم

نکند یا اعلام نماید که ظرف مهلت مقرر، آن را تسلیم نخواهد کرد. (قسمت "ب" بند یک)

قاعده کلی این است که برای این که طرف قرارداد حق فسخ داشته باشد باید نقض

جزئی انجام شده، نقض اساسی قرارداد باشد. استثنای این قاعده در مورد عدم تسلیم کالا

است که حتی بدون نقض اساسی، حق فسخ ایجاد می‌شود.

در حقوق ایران، به هنگامی که موضوع قرارداد انجام فعل یا عین کلی است، تخلف از

انجام تعهد و نقض قرارداد موجب ایجاد حق فسخ برای متعهدله نمی‌گردد، هر چند نقض

مزبور، نسبت به کل قرارداد بسیار اساسی و حیاتی باشد. به عبارت دیگر، در این گونه موارد

بین نقض اساسی و غیراساسی تفاوتی وجود ندارد و نخستین ضمانت اجرا، الزام به اجرای

عین قرارداد است نه فسخ (مواد ۳۷۶، ۴۷۶، ۴۱۴، ۳۳۹ و ۴۱۲ ق.م.ا) لیکن در قراردادهایی که

موضوع آنها عین معین است، قانون‌گذار به هنگام نقض آنها، قائل به حق فسخ شده است؛

گرچه نقض انجام شده، غیراساسی و بسیار کم‌اهمیت و جزئی باشد مانند مواد ۴۱۰ و ۴۱۱

ق.م. در بارهٔ خیار رؤیت و تخلف وصف و مواد ۴۲۲ و ۴۳۷ ق.م. در مورد خیار عیب با کمترین تخلف در اوصاف مبیع عین معین یا با وجود عیب بسیار جزئی، حق فسخ ایجاد می‌شود. بنابراین حقوق ایران با کنوانسیون از نظر فسخ تفاوت‌هایی دارد.

#### ۴-۲-۲- تقلیل ثمن

از دیگر روش‌های جبران نقض قرارداد، تقلیل ثمن است که فقط مخصوص مشتری می‌باشد. ماده ۵۰ در این باره مقرر می‌دارد: «در صورتی که کالای تسلیم‌شده منطبق با قرارداد نباشد و اعم از این که ثمن قبلاً تأدیه شده یا نشده باشد، مشتری می‌تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیم‌شده در روز تسلیم و ارزشی که کالای منطبق با قرارداد در روز تسلیم دارا می‌بوده است، ثمن را تقلیل دهد. مع‌هذا هرگاه با بیع مطابق مواد ۳۷ یا ۴۸ هر نوع قصور در ایفای تعهدات خود را جبران کند یا در صورتی که مشتری مطابق مواد مذکور از قبول انجام تعهد با بیع خودداری ورزد، مشتری نمی‌تواند ثمن را کاهش دهد». برای استفاده از فایده تقلیل ثمن شرایط خاصی لازم نیست بلکه شرایطی عامی که در مورد سایر طرق جبران خسارت لازم است باید وجود داشته باشد:

نخست - باید کالا در همان مفهومی که در مواد ۳۵ و ۳۶ آمده است غیر منطبق با قرارداد باشد (عدم مطابقت مادی)؛

دوم - مشتری باید به تکلیف مندرج در مواد ۳۹ و ۴۰ در خصوص ارسال اخطار عدم مطابقت به فروشنده عمل نماید.

سوم - فروشنده مطابق مواد ۳۷ و ۴۸ نسبت به رفع عیب یا تسلیم کالای جانشین اقدامی نکرده باشد؛

در غیر این سه صورت، مشتری نمی‌تواند از روش تقلیل ثمن استفاده کند. (ذیل ماده ۵۰) در حقوق ایران، روش تقلیل ثمن پذیرفته شده است. ماده ۳۸۴ ق.م. در این باره می‌گوید: «هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیهٔ حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید...» در این ماده که از فقه امامیه گرفته شده است، (امامی، ۱۳۶۶، ج. اول، ص. ۶۴) قانون‌گذار چنین فرض می‌کند که مقدار مبیع کمتر از آنچه که طرفین تصور کرده‌اند، بوده است. پس طرفین علاوه بر مقدار موجود نسبت به مقداری که وجود خارجی نداشته، مبادرت به عقد قرارداد نموده‌اند. به همین علت، خریدار می‌تواند آن بخشی از ثمن را که مقابل قسمت فرضی مبیع قرار داشته، مسترد نماید.

### ۵-۲-۲- تعیین مشخصات مبیع

در برخی موارد ممکن است به موجب قرارداد تعیین شکل و اندازه یا سایر مشخصات کالا به عهده مشتری گذارده شده باشد. یعنی به دلیلی خریدار ترجیح می دهد در زمان انعقاد قرارداد، یک یا چند جنبه [ از ویژگی های ] کالا را مسکوت بگذارد و آنها را بعداً بر حسب احتیاجات واقعی تجاری اش مشخص کند، در این فرض، او باید نسبت به معین نمودن مشخصات کالا اقدام نماید، در غیر این صورت، بایع خود این اقدام را انجام خواهد داد.

ماده ۶۵ در این زمینه مقرر می دارد:

«۱- چنانچه حسب قرارداد تعیین شکل، اندازه یا سایر مشخصات کالا به عهده مشتری باشد و او در انجام این امر قصور ورزد اعم از این که قصور در تاریخ مورد توافق صورت گیرد یا ظرف مدت متعارفی پس از وصول تقاضای تعیین مشخصات از جانب بایع، بایع می تواند بدون این که خدشه ای به سایر حقوقش وارد شود با توجه به خواسته های مشتری که ممکن است بر او معلوم باشد، رأساً مشخصات کالاها را تعیین کند.

۲- چنانچه خود بایع مشخصات کالا را تعیین کند، باید جزئیات آن را به آگاهی مشتری رسانده و در مدت متعارفی تعیین نماید تا ظرف مدت مزبور، مشتری بتواند در صورت تمایل، مشخصات متفاوتی اعلام کند. هر گاه پس از وصول چنین اعلانی خریدار ظرف مدت مقرر مشخصات کالا را تعیین نکند، مشخصات تعیین شده از طرف بایع، لازم الاتباع است».

براساس ماده ۶۵، اجرای اختیار تعیین مشخصات توسط بایع دو شرط دارد:

- ۱- فروشنده باید تعیین مشخصات کالا را براساس نیازمندی های مشتری که ممکن است وی (بایع) از آن مطلع باشد، انجام دهد؛
  - ۲- فروشنده باید مشخصات تعیین شده را به اطلاع مشتری رسانده و مهلت معقولی را به او بدهد تا اگر مشخصات دیگری مد نظر وی می باشد، اعلام نماید.
- اختیار تعیین مشخصات کالا توسط فروشنده فقط مخصوص فروشنده است و در خصوص مشتری مورد ندارد.

روش تعیین مشخصات مبیع به مفهومی که در کنوانسیون پیش بینی شده است در حقوق ایران و قوانین ایران ذکر نشده است.

### ۶-۲-۲- مطالبه خسارت (ضرر و زیان)

مطالبه خسارت، ضمانت اجرای دیگر نقض قرارداد است. در صورت نقض قرارداد (به طور جزئی و کلی) هر کدام از طرفین قرارداد، خریدار یا فروشنده می تواند حسب مورد به

موجب مواد ۷۴ به بعد کنوانسیون مطالبه خسارت نمایند... مطالبه خسارت، روشی مستقل است که با سایر روش‌های جبران خسارت قابل جمع است. (بند ۲ ماده ۴۵) ماده ۷۴ کنوانسیون قاعده کلی برای مطالبه خسارت را بیان می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد: «خسارت ناشی از نقض قرارداد به وسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم‌النفعی، که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است. این خسارت نمی‌تواند از مقدار زبانی که نقض‌کننده در زمان انعقاد قرارداد و به مدد واقعیات و موضوعاتی که در همان موقع بدان‌ها واقف بوده یا می‌بایست واقف می‌بوده، به عنوان اثر ممکن‌الحصول نقض قرارداد پیش‌بینی کرده است متجاوز باشد».

مطالبه خسارت بر اساس ماده ۷۴ دارای شرایطی است:

۱- باید زبانی به شخص وارد شده باشد (اعم از ضرر و زیان وارده و عدم‌النفع).  
 ۲- باید نقض قرارداد صورت گرفته باشد. تفاوتی نمی‌کند این نقض اساسی باشد یا غیراساسی.

۳- باید بین نقض قرارداد و زیان وارده، رابطه سببیت وجود داشته باشد.

(Schlechtriem peter, 1991, P558)

۴- شرط چهارم قابلیت پیش‌بینی ضرر است.

۵- شرط دیگری نیز وجود دارد که در ماده ۷۷ کنوانسیون پیش‌بینی شده و آن تقلیل خسارت است. بر اساس این ماده: «طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند مکلف است حسب اوضاع و احوال در جهت کاهش زیان از جمله عدم‌النفع ناشی از نقض، اقدامات متعارف را معمول دارد. در صورتی که وی در انجام اقدامات فوق‌الذکر قصور نماید، نقض‌کننده می‌تواند به میزانی که خسارت می‌باید تقلیل می‌یافته است، مدعی کاهش خسارت گردد». این ماده قاعده «پیشگیری» را بنیان‌گذارده است.

در حقوق ایران، در صورت نقض بخشی از قرارداد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که از چه روش‌هایی برای جبران خسارت ناشی از نقض استفاده می‌شود؟ روش مطالبه خسارت به عنوان شیوه‌ای عام برای جبران ضرر در تمام نظام‌های حقوقی کشورها از جمله حقوق ایران پذیرفته شده است. ماده ۲۲۱ ق.م. ایران مقرر می‌دارد که: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است...». شرایط عام ایجاد مسئولیت در حقوق ایران عبارتند از: وجود ضرر، ارتکاب فعل زیان‌بار، رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرر وارده. ضرر قابل مطالبه نیز ضرری



است که مسلم، مشروع، مستقیم، شخصی و قابل پیش‌بینی بوده و ناشی از اقدام خود زیان‌دیده نباشد. در مسئولیت‌های قراردادی این قاعده پذیرفته شده است که عهدشکن تنها مسئول خساراتی است که برای او قابل پیش‌بینی یا عرفاً مورد انتظار باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، صص. ۲۷۷ و ۲۹۷)

از ماده ۲۲۷ ق.م. چنین برمی‌آید که صرف نقض قرارداد برای ایجاد مسئولیت کافی است و نیاز به اثبات تقصیر جداگانه نیست.

#### ۷-۲-۲- حق بازفروش کالا

یکی از ضمانت‌اجراهای غیرقضایی که در برخی از سیستم‌های حقوقی جهت حفظ حقوق فروشنده در مقابل نقض تعهدات از سوی خریدار پیش‌بینی شده، حق فروش مجدد کالا توسط فروشنده است. حق بازفروش کالا در بندهای یک و ۲ ماده ۸۸ کنوانسیون مورد اشاره واقع شده است. به موجب بند یک ماده ۸۸: «چنانچه طرف دیگر در تصرف کالا یا پس گرفتن آن یا در پرداخت ثمن یا هزینه‌های حفظ کالا به نحو غیرمتعارف تأخیر ورزد، طرفی که طبق مواد ۸۵ و ۸۶ ملزم به حفظ کالا است، می‌تواند آن را به طرق متناسب بفروشد، مشروط بر این‌که اخطار متعارفی مبنی بر قصد فروش، جهت طرف دیگر ارسال کرده باشد».

با عنایت به این ماده، بازفروش کالا دارای دو شرط اساسی می‌باشد:

۱- وجود تأخیر در تصرف کالا (قبض)، پرداخت ثمن، پس‌گرفتن کالا و یا پرداخت هزینه نگهداری کالا.

۲- دادن اخطار به طرف مقابل در خصوص قصد بازفروش. بایستی گفته شود که بازفروش کالا غالباً به فروشنده اختصاص دارد مگر در موارد استثنایی؛ آن هم در مواردی که خریدار تحت شرایطی بخواهد کالا را به فروشنده بازگرداند و تأخیر در نگهداری به صلاح نباشد، می‌تواند کالا را بفروشد.

در حقوق ایران، با توجه به ضمانت‌اجراهایی که در خصوص تعهدات خریدار وجود دارد می‌توان گفت که با بیع در صورتی می‌تواند کالای مورد معامله را به علت عدم پرداخت ثمن یا عدم قبض مبیع توسط خریدار، بازفروش نماید که عقد بیع با توجه به اختیارات قانونی یا قراردادی فسخ گردیده باشد. (اصغری آق‌مشهدی و زارعی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹) بدیهی است این امر با آنچه که در خصوص معنای اخص بازفروش گفته شد که عبارت است از حق فروش مجدد کالا توسط بایع به دلیل نقض تعهدات قراردادی توسط خریدار، بدون نیاز به انحلال

بیع منعقد، متفاوت است. بنابراین حق بازفروش کالا به معنای اخص کلمه در حقوق ایران جایگاهی ندارد. و در حقوق ایران به صورت موردی بازفروش کالا پیش‌بینی شده است مثلاً نهاد «اداره فضولی مال غیر» موضوع ماده ۳۰۶ ق.م. می‌باشد.

### نتیجه:

نقض جزئی قرارداد می‌تواند به‌عنوان یکی از نهادهای مهم حقوقی باشد که بر خلاف اصل لزوم قراردادهای بوده و در مواردی که متعهد به برخی از تعهدات خود عمل نمی‌کند، مطرح می‌شود که در هیچ کدام از نظام‌های حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به صورت صریح مطرح نشده است. به‌رغم اهمیتی که این نهاد در آثار دارد، تعریف و شناخت لازم در این مورد ارائه نشده است. به‌نظر می‌رسد وجود یک تعریف جامع و مانع از مفهوم نقض جزئی قرارداد مورد نیاز است تا در کاربرد آن هیچ ابهام و مشکلی ایجاد نگردد. به‌موجب کنوانسیون، نقض قرارداد به نقض اساسی و غیراساسی تفکیک شده است. ماده ۲۵ کنوانسیون در تعریف نقض اساسی مقرر می‌دارد؛ نقض، زمانی اساسی است که به اساس قرارداد و هدف اقتصادی مورد نظر طرفین خسارت شدید وارد سازد و نقضی که از نظر اهمیت، اساسی نباشد، نقض غیراساسی تلقی خواهد شد. به‌نظر می‌رسد هم نقض اساسی و هم غیراساسی، داخل در مفهوم نقض جزئی قرارداد می‌باشد و به بیان دیگر، رابطه بین این دو، عموم و خصوص مطلق است. اما در حقوق ایران، نقض اساسی و غیراساسی ناشناخته است.

نقض جزئی قرارداد آثاری دارد که عبارتند از: تجزیه قرارداد و فسخ قرارداد. امکان تجزیه قرارداد در مواد ۵۱ و ۷۳ کنوانسیون پیش‌بینی شده است و در حقوق ایران، تجزیه قرارداد با کمک قاعده فقهی حقوقی «انحلال عقد واحد به عقود متعدد» شناخته می‌شود. اما در رابطه با فسخ قرارداد، می‌توان گفت فسخ کل یا قسمتی از قرارداد، آخرین راهکار در نقض جزئی قرارداد می‌باشد.

در همین راستا، مطابق کنوانسیون، طرفین زمانی می‌توانند قرارداد را فسخ کنند که نقض انجام‌شده، نقض اساسی قرارداد باشد. ولی در حقوق ایران، جدای از این که نظریه‌ای

تحت عنوان نقض اساسی قرارداد وجود ندارد بلکه حکم مسأله بر حسب این که مورد معامله عین معین و یا عین کلی بوده، متفاوت است. بدین صورت که کوچک ترین نقضی در فرض اول می تواند موجبی برای فسخ قرارداد شود ولی در فرض دوم، امکان فسخ قرارداد منوط بر این است که ابتدا الزام متعهد از طریق دادگاه نسبت به اجرای قرارداد خواسته شود و اگر چنین اجبار و الزامی ممکن نشود، در آن صورت، طرف مقابل می تواند به قرارداد خاتمه بخشد.

### منابع:

۱. اصغری آق مشهدی، فخرالدین و زارعی، رضا، ۱۳۸۹، "حق بازرگانی (مطالعه تطبیقی)"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش. ۵.
۲. امامی، حسن، ۱۳۶۶، حقوق مدنی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ج. اول.
۳. باره را گراف جورج و دیگران، ترجمه داراب پور، مهرباب، ۱۳۷۴، تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، تهران، انتشارات گنج دانش، ج. اول و ۳۰۲.
۴. سلجوقی، محمود، ۱۳۶۸، "تقسیم ناپذیری حقوق و تعهدات"، مجله کانون وکلا، شماره های ۱۴۸ و ۱۴۹.
۵. صفایی، حسین و دیگران، ۱۳۸۴، حقوق بیع بین المللی، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، الزام های خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، عقود معین، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ج. اول.
۸. میرزانژاد جویباری، اکبر، ۱۳۸۱، "بحثی پیرامون مفهوم نقض اساسی قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین با مطالعه تطبیقی"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش. ۵۸.
9. Brayon A, Garner, 1388, Black, s law dictionary, English Edition, Edition chief.
10. Catherine piche, 2002-2003, The convention on contracts for the International sale of goods and the Uniform commercial code remedies in light of remedial principles recognized under U.S. Law: Are the remedies of granting additional time to the defaulting parties and of reduction of price fair and efficient ones?, Content downloaded/printed from HeinOnline (<http://heinonline.org>).
11. Clamens pauly, 2002-2003, The concept of fundamental breach as an International principle to create uniformity of commercial law, Citation: 19 J. & com

---

.221 . Content downloaded/printed from HeinOnline,(<http://heinonline.org>).

12. John C .duncan,jr,2000,Nachfrist was Ist? Thinking globally Acting locally:considering time extension principles of the U.N,convention on contracts for the International sale of goods in revising the Uniform commercial code, Citation: 2000 byu L .Rev .1363 , Content downloaded/printed from HeinOnline,(<http://heinonline.org>)

13. schlechtriem (peter)1991,law Economics International Trade uniform sale .The un convention on contrasts International sales of Goods ,Volume B and 9, London.

## **Partial Breach of Contract under Iranian Laws & United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Vienna,1980)**

Faramarz Najafi Gharadaghlou

### **Abstract**

...The ultimate purpose of concluding a contract is to implement its terms and conditions in full. This purpose is protected by various solid foundations such as the principle proposing that all contracts are presumed to be binding unless it is proved to the contrary. However, not all the individuals remain bound to their contracts and it is possible that one or both of the contracting parties breach the contract in the process of performing the same and /or fulfilling contractual obligation thereof.

The first image of breach of contract which may spring to one's mind is a material breach of contract, and the partial breach thereof is less considered, despite its significant impact on relationships among contracting parties. In United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Vienna,1980), the case of partial breach of contract is taken into consideration under Articles 51 and 73, while the partial breach of contract is not directly addressed under Iranian laws and, by implication, this fact can be concluded by searching amongst various Articles.

**Keywords:** Breach of contract, partial breach of contract, fundamental and non-fundamental breach of contract, compensations resulting from breach of contract, Iranian laws, Vienna Convention.